روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ • ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ • ۷ مارس ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۸۴ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۸:۲۳ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۳ • طلوع آفتاب ۶:۲۶

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

توصیه‌هایی برای پدر و مادران آماتور-۲
جنایت و حماقت بشری!

پوریا عالمی

● نکته‌ای که باید خودتان را برایش آماده کنید این است که ما ایرانیان ولی‌کن قضیه نیستیم و تا ابد نظرات کارشناسی‌مان را توی چشم دیگران می‌کنیم.

در دومین قدم، ما - میدون و سوفیا - درباره به‌دنیاآوردن بچه به شما توصیه می‌کنیم.

ببینید به دلایل فراوانی، از جمله هوای آلوده و... همه به شما توصیه خواهند کرد که بچه‌تان را ببرید و بیرون از ایران به دنیا بیاورید.

اطرافیانتان به شما ثابت خواهند کرد بزرگ‌ترین حماقت بشری، بچه‌زاییدن و بزرگ‌ترین جنایت بشری، بچه در اینجا زاییدن است!

آنها به شما ثابت خواهند کرد بچه‌ای که در این شرایط در اینجا متولد شود، حتما بدبخت خواهد شد و شما مسئول بدبختی او هستید و او وقتی بزرگ شد و فهمید چه ظلمی در حقش کرده‌اید، در صورت شما بزاق غنی‌شده خواهد انداخت.

حالا شما هی استدلال کنید که استادا! دانشمندا! ما خودمان اینجا به دنیا آمده‌ایم و حالا ممکن است نیکول کیدمن و لئوناردو دی‌کاپریو از کار درنیامده باشیم، ولی بالاغیرتا احمدی‌نژاد و رفقا هم نشدیم و حدودا عاقبت‌به‌خیر هستیم!

اطرافیان شما توی سر شما خواهند زد که این کشور در حق نخبه‌هاش جفا می‌کند و همه نخبه‌ها از بین رفته‌اند یا رفته‌اند ناسا کار می‌کنند!

که در این مرحله کافی است شما به این اساتید یادآوری کنید خودشان هیچ عسلی (عسل: محصول دبلیو- سی زنبور) هم نشده‌اند.

آنها ممکن است به شما بگویند به دلیل رسالت تاریخی‌شان مانده‌اند تا مردم را از نجات دهند! اینجا دقیقا همان‌جایی است که باید آب پاکی را بریزید روی دست این اساتید تا آب ببردشان و خلاص!

شنبه بیشتر توضیح و توصیه ارائه خواهیم داد.

میدون و سوفیا (پدر و مادر توصیه ایران)

کارتون خواب

یوری کوزوبوکین

سلام به فردا

هنوز در مرحله قهرمانی به سر می‌بریم

امان‌الله قرایی‌مقدم
جامعه‌شناس

ما به‌جای آنکه «سیستمی» فکر کنیم، «فردگرایانه» فکر می‌کنیم. به دنبال قهرمان هستیم؛ فردی که قهرمان باشد و فکر می‌کنیم که فرد نجات‌دهنده جامعه است. به‌طورکلی مسائل را می‌توانیم از دیدگاه فردگرایانه یا با دید جمع‌گرایانه بررسی کنیم. جامعه‌شناسی به جمع توجه می‌کند و می‌گوید این فرد عضوی از سیستم است. البته در طول تاریخ قهرمانانی بوده و افرادی وجود داشته‌اند که جامعه را پیش برده و به‌اصطلاح به جلو رانده‌اند، اما به عبارتی جامعه ما همواره در طول تاریخ به دنبال مردانی بوده که مردم را از بدبختی و فلاکت نجات دهند. به عبارتی، از دیدگاه جامباتیستا ویکو، فیلسوف تاریخ، ما در مرحله قهرمانی به‌سر می‌بریم. ویکو که در قرن هفدهم و هجدهم در ایتالیا زندگی می‌کرد، تاریخ را به سه مرحله تقسیم کرده است: اول دوره الهی که همه‌چیز به خداوند نسبت داده می‌شود و از او درخواست می‌شود. دوره دوم، دوره قهرمانی است که جامعه به دنبال قهرمان و نجات‌دهنده‌ای مانند رستم یا سهراب یا آرش و همین‌طور مصدق، امیرکبیر و افرادی مانند آنها می‌گردد و دوره سوم، دوره انسانی است؛ یعنی انسان‌ها همه خود را در امور مسئول می‌دانند. در این حالت دیگر انسان‌ها به دنبال نجات‌دهنده نیستند، بلکه عیب کار را از خودشان می‌دانند.

به نظر من جامعه ما هنوز در مرحله قهرمانی به‌سر می‌برد، به افراد خاص نظر دارد و فکر می‌کند که یک شخص می‌تواند نجاتش دهد، اما جامعه‌شناسی معتقد است که این‌طور نیست و باید «سیستم» درگیر باشد تا نجات اتفاق بیفتد. با مطرح‌شدن نظریه سیستم و افکار متفکرانی مانند کلود لوی اشتراوس که اصالت ساخت را مطرح کرد، این «ساخت جامعه» است که تغییر را ایجاد می‌کند؛ به‌عنوان‌نمونه در مورد آقای ظریف اخیرا مسائلی مطرح شد که خود من هم طرفدارش هستم، چون فرد دیگری را ندارند، مخالفان او هم می‌دانند کسی را ندارند و بنابراین گفته می‌شود که او استعفا نکند و در جایگاهش بماند. به‌اصطلاح، افراد متشخص و لایق و کاردان که سیستم باید تربیت کند و به دنبال هم پرورش بدهد، به علت حاکم‌بودن روابط‌مداری و اینکه فرصت به استعدادها و لیاقت‌ها داده نمی‌شود، افراد لایق و کاردان دیگر که در جامعه وجود دارند، از نظر مردم شناخته‌شده نیستند. در نتیجه وجود ناآگاهی نسبت به سایر افراد بزرگ، وقتی جامعه متوجه رفتن فردی می‌شود که تجربه کرده عملکرد خوبی دارد، شوک عظیمی به جامعه وارد می‌شود، چون کسی به‌جای او نیست. اینکه به دنبال انسان‌های نجات‌دهنده باشیم و نجات جامعه را در افراد خاص بدانیم، نشانه توسعه‌نیافتگی است. به قول گوردون چایلد؛ «انسان، خودش را می‌آفریند» و به گفته مارکس؛ مجموع انسان‌ها هستند که تاریخ را می‌سازند. در مورد دکتر ظریف به روشنی دیدیم که جامعه به افراد وابسته شده است، درحالی‌که جامعه باید به سیستم و نظام وابسته باشد.

سیستم و تفکر سیستمی-۶

«علم‌الاشیا»؟

اکبر قراخانی‌بهار

قدیم‌ها یک درس دبستانی بود تحت عنوان «علم‌الاشیا» که از خاک و سنگ گرفته تا گیاهان و جانوران مطلب آموختنی داشت. امروز که به عنوان و محتوای این درس فکر می‌کنم احساس می‌کنم که از نظر «عنوان و حوزه پوشش»، با مفاهیمی که امروز ما از آنها با عنوان کلی سیستم و تفکر سیستمی یاد می‌کنیم، چقدر قرابت دارد. بنابراین جا دارد برای این مفاهیم هم چنین آموزش‌های عمومی را تدارک ببینیم.

بررسی تاریخ علم نشان می‌دهد که بشر بسیاری از علوم اولیه را به منظور حل مسائل و مشکلاتی که با آنها روبه‌رو بوده، تدبیر کرده است. به عنوان مثال در بین علوم پایه شناخته‌شده، از یک طرف «هندسه» و «جبر» و از طرف دیگر «شیمی» و «فیزیک» را داریم. هندسه بیشتر به جنبه‌های «ثابت» ظاهری اشیا و «جبر» به جنبه‌های «متغیر» باطنی رویدادهای مرتبط با اشیا در دنیای پیرامون می‌پرداخته است. همین‌طور «شیمی» بیشتر با جنبه‌های مربوط به «ماده» تشکیل‌دهنده اشیا و «فیزیک» با محرک‌های ناشی از «انرژی» در رویدادهای مرتبط با اشیا در ارتباط بوده است.

اینکه یک زمین چه شکلی دارد (مثلا مستطیل)، در حوزه علم هندسه جواب می‌یافته است. همین‌طور برای اینکه لقمان حکیم بتواند به رهگذری که از او در مورد مقدار راه مانده سؤال کرده بود، به درستی پاسخ دهد، در حوزه علم جبر پاسخ می‌داده است. جهت تجدید خاطره کتاب‌های درسی قدیم، بد نیست به داستان لقمان حکیم و رهگذر هم اشاره‌ای کنیم. در انتهای یکی از دروس فارسی مطلب کوتاهی بود که می‌گفت لقمان حکیم روزی در راهی می‌رفت. مردی به او رسید و پرسید تا فلان روستا چقدر راه مانده است. لقمان بدون اینکه پاسخ او را بدهد به راه خود ادامه داد. آن مرد نیز به رفتن خود ادامه داد. بعد از مدتی لقمان او را صدا زد و گفت: «تا نیمی از ظهر گذشته». مرد از لقمان پرسید که چرا بار اول نگفتی. لقمان پاسخ داد که نمی‌دانستم چطور راه می‌روی، «تند» یا «کند»، این‌طور که می‌روی تا نیمی از ظهر گذشته به آنجا خواهی رسید. در پای صفحه هم با خط درشت و زیبای نستعلیق نوشته شده بود: «مرد دانا نسنجیده سخن نگوید».

غرض از مقدمه بالا این بود که گفته شود از دیرزمان‌ها در سطح آموزش‌های عمومی برای جنبه‌های ظاهری «ثابت» و «ساختاری» اشیا، علمی نظیر «هندسه» و جنس «ماده» تشکیل‌دهنده آنها علمی نظیر «شیمی» را داشته‌ایم. همین‌طور در مورد جنبه‌های «متغیر» و «رفتاری» اشیای در معرض رویداد، علم «جبر» و منشأ «انرژی» محرک آنها، علمی نظیر «فیزیک» وجود داشته است. اگر پیدایش علم «سیبرنتیک» را سرآغاز معرفی و اهمیت‌یافتن منبع سوم «اطلاعات» (در کنار «ماده» و «انرژی») در نظر بگیریم، در این صورت سیبرنتیک با به‌کارگیری اطلاعات، وظیفه «سکان‌داری» یا «کنترل و ارتباط» در اشیا و رویدادهای مرتبط در قالب سیستم در دنیای پیرامون ما را بازی می‌کند. در کنار سیبرنتیک، علومی نظیر «سازمان و مدیریت» نیز نقش مشابهی را بازی می‌کنند. در کلی‌ترین تلقی، «انتظام» و «اطلاعات» (از دید سیستمی به عنوان بعد سوم در کنار «ساختار» به واسطه «ماده» و «رفتار» به واسطه «انرژی»)، با «سازمان»دهی «ماده» (به طور کلی) و «مدیریت»کردن «انرژی» (به مفهوم اعم) سروکار دارند. از دید سیستم و تفکر سیستمی اگرچه از گذشته‌های بسیار دور علوم پایه اولیه جای خود را در آموزش‌های عمومی پیدا کرده‌اند، ولی در قالب مفهوم سیستم، در کنار ابعاد ساختاری و رفتار که این علوم به آنها می‌پرداخته‌اند، در بعد «انتظامی» اشیا و رویدادهای مرتبط، آموزش‌های عمومی مشخصی نبوده است. بنابراین جا دارد که نظیر سایر علوم پایه سنتی، مفاهیم مربوط به «انتظام» و «اطلاعات» نیز در آموزش‌های عمومی جایگاه خاص خود را پیدا کنند. جهان پیش‌روی ما معجونی است از سه منبع اساسی و اولیه «ماده»، «انرژی» و «اطلاعات» در قالب سیستم‌هایی با «ساختار»، «رفتار» و «انتظام» خاص خود. اگر «ساختار» و «رفتار» دو مؤلفه اساسی همه آن چیزهایی هستند که امروزه آنها را تحت عنوان سیستم می‌شناسیم و به ترتیب با «ماده» و «انرژی» صورت وجود به خود می‌گیرند، در این صورت «انتظام» (به عنوان نظم در ساختار و قاعده در رفتار) اگر در موجودات بی‌جان (مثلا یک «کوه»، «ثابت» در هیبت طبیعی خود و یک «رودخانه»، «متغیر» در مسیر طبیعی خود) به صورت جبری (در مقابل اختیاری) با عاملیت ماده و انرژی ممکن می‌شود، در موجودات زنده با عاملیت اطلاعات مفهوم می‌یابد. اطلاعات همان چیزی است که به موجود زنده ابعادی از «اختیار» را می‌دهد، توانی که تنها با کمک ماده و انرژی ممکن نیست.

زنان

آینده روشن برای دختران آفریقایی

خانم نکاندو لوئو، وزیر آموزش عالی زامبیا، در یادداشتی با عنوان «آینده روشن برای دختران آفریقایی» به نقش تعیین‌کننده آموزش و پرورش در ارتقای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشارکت دختران و زنان پرداخته است. بخش‌هایی از این یادداشت را می‌خوانیم.

آموزش به جوانان ابزارهایی را می‌دهد که نیاز دارند؛ از مهارت‌های شناختی و اجتماعی گرفته تا اعتمادبه‌نفس، برای آنکه در زندگی موفق باشند. جمعیت رو به رشد جوانان در بسیاری از کشورهای آفریقایی، از جمله کشور من زامبیا، ایجاب می‌کند که ارائه آموزش با کیفیت بالا برای همه ضروری باشد. اما موفقیت فقط وقتی ممکن است که به دختران و زنان توجه ویژه شود.

آموزش و پرورش نقش تعیین‌کننده‌ای در استیفای حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دختران و زنان در جامعه دارد. به همین دلیل مهم است که کشورها آموزش و توانمندسازی دختران و زنان را در صدر برنامه‌های سیاسی خود قرار دهند.

زامبیا در این مورد تصمیمش را گرفته است. زنان اکنون در این کشور مقتدرانه بر مشاغل مهمی تکیه زده‌اند که قبلا در انحصار مردان بوده است؛ از جمله رئیس دادگستری، رئیس کمیته مبارزه با مواد مخدر، رئیس دادگاه قانون اساسی، معاون رئیس‌جمهور و وزیر دارایی. ادگار لینگو، رئیس‌جمهور زامبیا... مانند تونی بلر (نخست‌وزیر اسبق انگلستان) در بسیاری از پست‌ها با زنان سروکار دارد.

البته، ترویج برابری جنسیتی صرفا به جذب زنان به سطوح بالای قدرت منحصر نمی‌شود. همه نمی‌خواهند یا نمی‌توانند مدیرعامل یا سیاست‌مدار باشند. برابری جنسیتی اساسا با حق انتخاب مرتبط است: به زنان همان گستره فرصت‌هایی داده شود که مردان از آن بهره‌مندند. آموزش، به دختران و زنان دانشی را می‌دهد که نیاز دارند تا آگاهانه در مورد نوع زندگی‌ای که می‌خواهند، تصمیم بگیرند - مثلا خانه‌دار یا پژوهشگر شوند یا صاحب کسب‌وکاری کوچک یا رئیس یک شرکت چندملیتی- و مهارت‌هایی که برای رسیدن به آنها نیاز دارند.

دولت زامبیا برای پشتیبانی از این اقدام، سرمایه‌گذاری خود را برای ایجاد هنرستان‌های فنی برای دختران افزایش داده است. علاوه بر این، برای ارتقای کیفیت آموزش، معلمان استخدام شده‌اند و در این امر توجه ویژه‌ای به زنان شده است. تاکنون، هزارو ۲۶۵ معلم زن استخدام شده‌اند و ۷۴۴ معلم مرد.

دولت زامبیا «سیاست ورود مجدد» خود را نیز تقویت کرده که معطوف است به کمک به مادران جوان تا پس از زایمان به مدرسه بازگردند. قانون‌گذاران این کشور نیز در این تلاش کمک می‌کنند، از جمله قانون برابری جنسیتی و لایحه موسوم به برابری و همچنین اصلاحیه قانون زامبیا. لایحه‌ای برای ممانعت از خشونت جنسی و جنسیتی نیز در راه است.

پیشرفت زامبیا فرایندهای بیرونی را در مورد آنچه به معنای زن‌بودن در آفریقاست، به چالش می‌کشد. این باید به عنوان یک الگو برای کشورهای همسایه باشد که به دنبال تقویت پیشرفت از طریق بهبود برابری جنسیتی هستند و به عنوان یک منبع امید برای دختران و زنان در همه جا، به آنها اعتمادبه‌نفس می‌دهند تا بزرگ شوند.

اما هنوز خیلی مانده تا کار ما به پایان برسد. نه تنها لازم است زنان بیشتری نقشی تعیین‌کننده در تمامی سطوح جامعه ایفا کنند، بلکه باید شکاف‌های موجود در زمینه تحصیل بین دختران شهری و روستایی را پر کنیم.

با این وجود، به نظر می‌رسد آینده روشن است. از یک طرف، کشورهای عضو سازمان ملل متحد متعهد به تصویب «هدف توسعه پایدار ۴» شده‌اند تا سال ۲۰۳۰ «آموزش و پرورش فراگیر و عادلانه و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه تضمین شود» و توجه ویژه‌ای به حذف نابرابری جنسیتی داشته باشند. از طرف دیگر، شخصیت‌های برجسته از طرح‌هایی که آموزش و پرورش و مخصوصا آموزش دختران را ارتقا می‌دهد، پشتیبانی می‌کنند. مگان، دوشس ساسکس، یکی از آنهاست که اکنون حامی انجمن دانشگاه‌های مشترک‌المنافع است که بیش از ۵۰۰ دانشگاه را در بیش از ۵۰ کشور مشترک‌المنافع پوشش می‌دهد و از جمله اقدامات آن تلاش برای برقراری عدالت جنسیتی است.
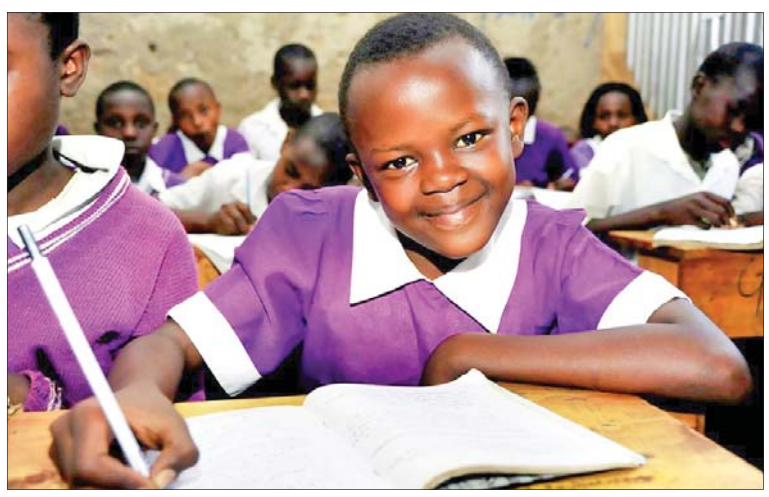
این حمایت‌ها که بسیار گسترده است و با تعهد قوی از سوی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی همراه شده است، نشان می‌دهد آینده دختران جوان ما روشن است. زنان آفریقایی اکنون بیش از هر زمان دیگری می‌توانند امید داشته باشند که برای زندگی خود تصمیم بگیرند.